



## چستی فلسفه

### انواع سؤالات

- ۱ روزمره ← معمولاً به راحتی می توان به آن ها پاسخ داد.
- ۲ بنیادین = اساسی = فلسفی
- ♦ می توانند ساعات طولانی ما را به خود مشغول کنند.
- ♦ شامل مفاهیم عمیق زندگی می شوند.
- ♦ می تواند برای هر کسی ایجاد شود.
- ♦ لزوماً پاسخ مشخص ندارد.
- ♦ معمولاً سؤالات علوم، سؤال فلسفی نیستند.

### انسان و تفکر

یکی از ویژگی های انسان پرسشگری است. کودکان در همان سنین ابتدایی از حوادث پیرامون خود سؤال می کنند و کنجکاوی خود را با گفتن کلمه «چرا» به پدر و مادر خود نشان می دهند. هر سؤالی که برای ما پیش می آید، گویای آن است که چیزی را نمی دانیم و به دنبال دانستن آن هستیم. همین که از خود می پرسیم «امروز به کجا باید بروم به کتابخانه یا به ورزشگاه و یا...؟» بدین معناست که هنوز نمی دانیم کدام را باید انتخاب کنیم و به دنبال دانستن آن هستیم.

تفکر، واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش ها به پاسخ هاست. با قدرت تفکری که خداوند در وجود ما قرار داده، پاسخ سؤالات را می یابیم و امور روزانه خود را سامان می دهیم. لذا می توان گفت که بدون تفکر کاری از انسان ساخته نیست. مراحل اندیشه ورزی و تفکر در انسان به صورت زیر است:

رسیدن به پاسخ

تفکر در اندوخته ها

طرح سؤال

روبه روشن شدن با مسئله

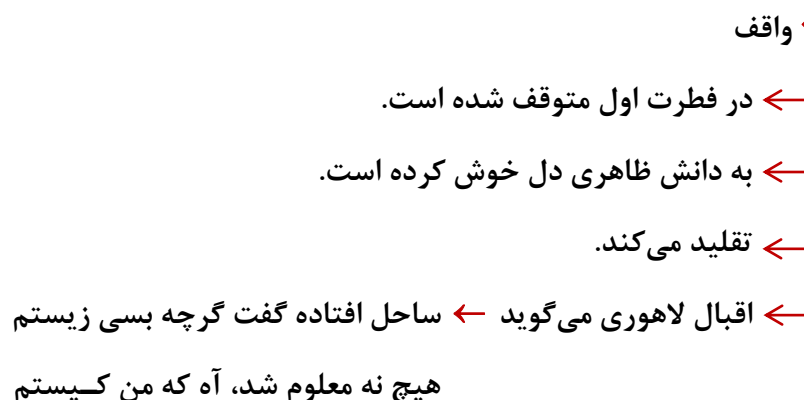
## مراتب تفکر

تا زمانی که انسان با همان سؤال‌های معمولی و روزانه روبه‌روست و به دنبال پاسخ آن‌هاست، در مرحلهٔ اول تفکر قرار دارد که می‌توان آن را «تفکر غیرفلسفی» نامید. اما اگر انسانی از این مرحلهٔ تفکر عبور کرد و با جدیت و پیوسته به سؤال‌های دستهٔ دوم پرداخت، وارد مرتبه دوم تفکر شده که می‌توان آن را «تفکر فلسفی» نامید؛ این انسان، ممکن است یک کارگر یا فیزیک‌دان یا پزشک یا دانشجو و دانش‌آموز باشد، اما همین که وارد این وادی شد و چنین پرسش‌هایی را جدی گرفت و به دنبال یافتن پاسخ برآمد، در حال تمرین «تفکر فلسفی» است. مراحل تفکر فلسفی نیز به‌صورت زیر است:



ملاصدرا، فیلسوف بزرگ اسلامی مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آن‌ها را «فطرت اول» و ورود آن پرسش‌های اساسی و تفکر در آن‌ها را «فطرت ثانی»، یعنی فطرت دوم می‌نامد. وی ماندن در فطرت اول را شایستهٔ انسان نمی‌داند و از انسان‌ها می‌خواهد بکوشند از فطرت اول عبور کنند و به فطرت ثانی که مرحله‌ای برتر و عالی‌تر است، برسند.

## نظر ملاصدرا دربارهٔ انسان‌ها



## نظر ملاصدرا دربارهٔ انسان‌ها

سائر

← از فطرت اول به فطرت دوم رفته است.

← به شنیده‌ها بسنده نمی‌کند.

← به جهان وسیع معقولات راه می‌یابد.

← همواره در حرکت و تکاپو است.

← اقبال لاهوری می‌گوید ← موج ز خود رفته‌ای تیز خرامید و گفت

هستم اگر می‌روم گر نروم نیستم

## دانش فلسفه

با دقت در سؤال‌های دستهٔ دوم درمی‌یابیم که این قبیل سؤال‌ها مربوط به موضوعات اساسی و بنیادی است که بدون در دست داشتن پاسخ درست و قانع‌کننده برای آن‌ها، تصمیم‌گیری‌های انسان به نتیجه و سرانجام روشنی نخواهد انجامید.

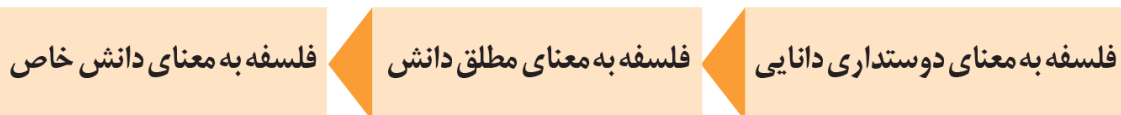
تلاش‌های بشر برای پاسخ قانونمند موجب ظهور دانشی به نام «فلسفه» شده است. به عبارت دیگر: دانش فلسفه عهده‌دار بررسی قانونمند این قبیل سؤال‌هاست. از همان آغازین روزهای حیات فکری انسان، افرادی اهمیت این قبیل پرسش‌ها را دریافته و با دقت و تأمل فراوان، برای دستیابی به پاسخ صحیح تلاش کردند.

## واژهٔ فلسفه

لفظ فلسفه ریشهٔ یونانی دارد. این لفظ عربی شده کلمهٔ «فیلسوفیا» است. فیلسوفیا مرکب از دو کلمهٔ «فیلو» به معنی دوستداری و «سوفیا» به معنی دانایی است. پس کلمهٔ فیلسوفیا به معنی «دوستداری دانایی» است. بنابراین، واژهٔ فلسفه در آن زمان‌ها اختصاص به این دانش خاص نداشت و همهٔ دانش‌ها را شامل می‌شد. کسی که این واژه را بر سر زبان‌ها انداخت و عمومی کرد، فیلسوف بزرگ یونان، «سقراط» بود. این درحالی است که دانشمندان زمان سقراط و قبل از او خود را «سوفیست» یعنی دانشمند می‌خواندند. ممکن است پرسید چرا سقراط نیز خود را «سوفیست» نخواند و از لفظ فیلسوف که به معنی دوستدار دانش است استفاده کرد؟

در توضیح علت این نام‌گذاری می‌گوییم: دغدغه برخی از سوفیست‌ها، که بیش‌تر به تعلیم سخنوری و وکالت اشتغال داشتند، بیان واقع و دفاع از حقیقت نبود؛ این گروه پیروزی بر رقیب را مهم‌ترین هدف می‌دانستند و از این‌رو در استدلال‌های خود بیش‌تر از مغالطه کمک می‌گرفتند که به ظاهر درست به نظر می‌رسید، اما در واقع غلط بود. این رویه به تدریج سبب شد که این گروه از دانشمندان برای حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری قائل نباشند و بگویند هرکس هرچه خودش می‌فهمد همان حقیقت و واقعیت است. بعدها کلمه سوفیست (دانشمند) مفهوم اصلی خود را از دست داد و مفهوم مغالطه کار به خود گرفت و کلمه «سفسطه» هم که در زبان عربی از لفظ «سوفیست» گرفته شد، معنای مغالطه‌کاری پیدا کرد.

سقراط به سبب تواضع و فروتنی در برابر دانایی و علم و شاید به خاطر هم‌ردیف نشدن با سوفیست‌ها، مایل نبود او را «سوفیست» یا دانشمند بخوانند و از این‌رو خود را فیلسوفوس (فیلسوف)، یعنی دوستدار دانش نامید. رفته‌رفته کلمه فیلسوف به مفهوم دانشمند ارتقا پیدا کرد و کلمه فلسفه نیز مترادف با دانش شد. با گذشت زمان و پیشرفت دانش‌های مختلف، بر هریک از شاخه‌های دانش نام ویژه‌ای گذاشته شد و به تدریج کلمه فلسفه فقط برای همین دانش خاص به کار رفت.



### جدول معنا به ترتیب تاریخ

کلمه	معنای اول	معنای دوم	معنای سوم
فلسفه	دوستداری دانایی	دانش	دانش خاص (وجودشناسی)
فیلسوف	دوستدار دانایی	دانشمند	دانشمند دانش خاص
سوفیست	دانشمند	مغالطه‌کار	—
سفسطه	دانش	مغالطه‌کاری	—

## ۱. موضوع فلسفه، بنیادی‌ترین موضوعات

### تفکیک

قبل از پرداختن به موضوع فلسفه، سؤال‌های زیر را به دقت مطالعه کنید و ببینید آیا می‌توان گفت برخی از آن‌ها تفاوت خاصی با دیگر سؤال‌ها دارند؟ آن‌ها را در دسته «الف» و بقیه را در دسته «ب» قرار دهید.

ردیف	سؤال‌ها	الف	ب
۱	دلیل پیدایش انقلاب صنعتی در اروپا چه بود؟		
۲	آیا تنها جهان موجود، همین جهان مادی و طبیعی است؟		
۳	خداوند چند رکعت نماز را بر ما واجب کرده است؟		
۴	دلیل حمله اسکندر مقدونی به ایران چه بود؟		
۵	آیا هر چیز دارای علت است؟		
۶	آیا زیبایی وجود دارد یا ساخته ذهن ماست؟		
۷	پیر شدن سلول‌ها اثر کدام عامل شیمیایی است؟		
۸	آیا پدیده‌ها می‌توانند به اختیار خود موجود شوند؟		

هر علمی درباره موضوع خاصی بحث می‌کند. دانش ریاضیات درباره مقدار و کمیت است. شیمی درباره ساختمان مواد و ترکیب میان آن‌هاست. اخلاق درباره چگونگی کسب فضیلت‌ها و دوری از بدی‌هاست. سایر علوم نیز هر کدام به موضوع خاص از میان موضوعات جهان و زندگی انسان می‌پردازند و بحث می‌کنند. اما فلسفه این‌گونه نیست. فلسفه درباره یک موجود خاص بحث نمی‌کند، بلکه به بررسی اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان می‌پردازد. فیلسوف درباره آن دسته از ویژگی‌های موجودات صحبت می‌کند که مربوط به هستی و موجودیت آن‌هاست. به همین خاطر، مباحث فلسفی پایه و اساس مباحث سایر علوم به‌شمار می‌آیند.

## ۲. استفاده از روش عقلی و قیاسی

### تفکر

به این مسئله‌ها توجه کنید:

۱ مجموعه زوایای مثلث چند درجه است؟

۲ چرا هوا معمولاً در زمستان سرد می‌شود؟

۳ چرا در اکثر کشورها طلاق افزایش یافته است؟

۴ آیا هر حیاتی پایانی دارد؟

۵ آیا جهان ابتدا و انتها دارد؟

همان‌طور که در کتاب منطق آموخته‌اید، برای رسیدن به علم معمولاً از روش‌هایی چون تجربه و استقرا و نیز قیاس استفاده می‌شود.

توضیح دهید که درباره هر کدام از این مسئله‌ها با کدام روش می‌توان تحقیق کرد و به نتیجه رسید.

برای کسب دانش در علوم مانند فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، اقتصاد و جامعه‌شناسی از روش‌های تجربی استفاده می‌کنیم. اما در مسائل فلسفی که به اصل و اساس جهان و انسان مربوط هستند، نمی‌توان از حواس یا آزمایش بهره برد و یا از ابزاری مانند میکروسکوپ و تلسکوپ کمک گرفت. در این موارد فقط باید به توانایی عقل و استدلال‌های عقلی تکیه کرد و با تفکر و تعقل و تجزیه و تحلیل دانسته‌ها به حل مسئله و کشف مجهول نزدیک شد. مسائل فلسفی، از جهت روش، مانند مسائل ریاضی هستند که استفاده از حواس و ابزار به حل آن‌ها کمک نمی‌کند و فقط با عملیات فکری و استدلالی باید به جواب مسئله‌ها دست یافت.



**یک نکته ناب**

آنچه که منحصر به فرد و خاص فلسفه است موضوع آن است نه روش آن. چرا که روش فلسفه با ریاضیات مشترک است.

**به کار ببندیم**

۱ کدام یک از افراد زیر بیش تر اهل تفکر فلسفی است؟

الف) کسی که پاسخ فیلسوفان در ارتباط با سؤالات اساسی را به خوبی آموخته و توضیح می دهد.

ب) کسی که در آرای فیلسوفان می اندیشد و دلایلی را که به نظر خودش محکم است، انتخاب و ارائه می کند.

۲ برای درست فکر کردن و قرار گرفتن در مسیر درست تفکر فلسفی نیاز به برداشتن گام‌هایی است. این

گام‌ها به صورت نامرتب قرار گرفته‌اند؛ با توجه به نظر خود، آن‌ها را به ترتیب بازنویسی کنید.

■ ارائه استدلال صحیح

■ جست‌وجوی پاسخ برای سؤالات

■ داشتن معیار برای پذیرش پاسخ

■ آگاهی از مجهولات و ندانسته‌های خود.

۳ نکات اساسی مربوط به هریک از عناوین درس

را استخراج و در جدول روبه‌رو یادداشت کنید.

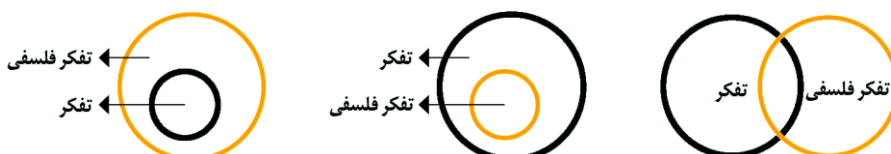
سپس یادداشت‌های خود را با دیگران مقایسه

نمایید.

عنوان	نکات اساسی
.....	.....
.....	.....
.....	.....
.....	.....
.....	.....

۴ اگر بخواهیم رابطه «تفکر» با «تفکر فلسفی» را به صورت دو دایره ترسیم کنیم، این دو دایره به شکل

کدام یک از صورت‌های زیر خواهد بود، چرا؟







به کار ببندیم

۵ در میان عبارت‌های زیر، عبارت‌های صحیح را انتخاب کنید.

الف) تفکر فلسفی، تفکر در حوزه فطرت اول و فلسفه تفکر در حوزه فطرت ثانی است، .....

.....

ب) تفکر دو قلمرو دارد؛ تفکر در حوزه فطرت اول و تفکر در حوزه فطرت ثانی، .....

.....

ج) تفکر فلسفی و فلسفه، هر دو در حوزه فطرت ثانی قرار می‌گیرند، .....

.....

د) در فلسفه هم تفکر فلسفی صورت می‌گیرد، اما به شکل نظام‌مند و تخصصی، .....

.....

ه) کسی که به تفکر فلسفی رسید، دیگر نیازی به تفکر در حوزه فطری اول ندارد، .....

.....

۶ فلسفه، از چه جهت با ریاضیات اختلاف دارد و از چه جهت مشترک است؟ .....

.....

## «از نهایی چه خبر؟!»

سوالات امتحانی درس: فلسفه ۱: درس اول | نام و نام خانوادگی:

ردیف	سوالات	نمره
الف	<p>تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط می باشد:</p> <p>(۱) سوال «آیا تفکر تابع قواعد خاصی است؟» یک سوال فلسفی است.</p> <p>(۲) سوالات بنیادین همیشه ساعات طولانی ما را به خود مشغول می کنند.</p> <p>(۳) سوالات مرتبط با مفاهیم عمیق زندگی، سوالات فلسفی هستند.</p> <p>(۴) سوالات انسان بیانگر جهل مرکب او هستند.</p> <p>(۵) از آغازین روزهای حیات انسان، افرادی اهمیت پرسش های بنیادین را دریافته اند.</p> <p>(۶) فلسفه، معرب فیلسوفیا است.</p> <p>(۷) فیلسوفیا به معنای دوست دار دانایی است.</p> <p>(۸) مهم ترین هدف سوفیست ها پیروزی بر رقیب بوده است</p> <p>(۹) فلسفه وجود مطلق را بررسی می کند.</p> <p>(۱۰) روش علوم تجربی، تجربه و حواس و آزمایش است.</p> <p>(۱۱) فلسفه در روش منحصر به فرد است.</p>	
ب	<p>جاهای خالی زیر را با عبارات مناسب کامل کنید.</p> <p>(۱۲) معمولا سوالات ..... می توانند ساعات طولانی ما را به خود مشغول سازند.</p> <p>(۱۳) سوال در مورد اینکه «آیا اصولا می توان آزادی را با برابری جمع کرد؟» یک سوال ..... محسوب می شود.</p> <p>(۱۴) هر ..... گویای آن است که چیزی را نمی دانیم و به دنبال دانستن آن هستیم.</p> <p>(۱۵) تفکر واسطه رسیدن انسان از ..... به ..... و از ..... به ..... است.</p> <p>(۱۶) با قدرت تفکری که خداوند در وجود ما قرار داده پاسخ سوال را می یابیم و ..... را سامان می دهیم.</p> <p>..... واژه فلسفه را بر سر زبان ها انداخت.</p> <p>(۱۷) دانشمندان زمان سقراط و قبل از او خود را ..... می نامیدند.</p> <p>(۱۸) معنای دوم سوفیست ..... است.</p>	
	«ادامه سوالات در صفحه بعدی»	

نمره	سوالات	ردیف										
	<p>۱۹) هر کدام از موارد ستون سمت راست با کدام یک از موارد ستون چپ ارتباط دارد؟ (در ستون سمت چپ یک مورد اضافی است)</p> <table border="1" data-bbox="480 528 1094 891"> <thead> <tr> <th>ستون راست</th> <th>ستون چپ</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>الف) سوفیست</td> <td>۱) سقراط</td> </tr> <tr> <td>ب) تواضع در برابر علم</td> <td>۲) سفسطه</td> </tr> <tr> <td>ج) دوست‌دار دانایی</td> <td>۳) فیلسوفوس</td> </tr> <tr> <td></td> <td>۴) فیلسوفیا</td> </tr> </tbody> </table>	ستون راست	ستون چپ	الف) سوفیست	۱) سقراط	ب) تواضع در برابر علم	۲) سفسطه	ج) دوست‌دار دانایی	۳) فیلسوفوس		۴) فیلسوفیا	ج
ستون راست	ستون چپ											
الف) سوفیست	۱) سقراط											
ب) تواضع در برابر علم	۲) سفسطه											
ج) دوست‌دار دانایی	۳) فیلسوفوس											
	۴) فیلسوفیا											
	<p>به سوالات زیر پاسخ دهید:</p> <p>۲۰) انواع سوالاتی که انسان در زندگی با آن‌ها روبه‌رو می‌شود چیست؟ نام ببرید.</p> <p>۲۱) سوال و پرسشگری نشانه چیست؟</p> <p>۲۲) جهل ساده چیست؟</p> <p>۲۳) فلسفه معرب چه کلمه‌ایست؟</p> <p>۲۴) تفاوت فیلسوفیا و فیلسوفوس چیست؟</p>	د										



«ادامهٔ سوالات در صفحهٔ بعدی»

ردیف	سوالات	نمره
د	<p>۲۵) دانشمندان چه دوره‌ای خود را سوفیست می‌دانستند؟! </p> <p>۲۶) به ترتیب شغل و هدف سوفیست‌ها چه بود؟ </p> <p>۲۷) سوفیست‌ها برای رسیدن به هدف بیشتر از چه روشی استفاده می‌کردند؟ </p> <p>۲۸) ویژگی‌های تفکر چیست و چه نقشی در زندگی انسان دارد؟ </p> <p>۲۹) تفکر فلسفی و غیرفلسفی را با یکدیگر مقایسه کنید؟ </p> <p>۳۰) منظور ملاصدرا از انسان واقف و انسان سائر چیست؟ </p>	
	«موفق باشید»	

«حالا ببینم چی یاد گرفتی؟!»

(قلم‌چی)

تست ۱ کدام عبارت، درباره فیلسوفان و تفکر فلسفی درست است؟

- ۱ رسیدن به شناخت درستی از واقعیت، مستلزم پرهیز از مغالطه است؛ از این رو، فیلسوفان با مغالطه‌ها سروکار دارند.
- ۲ فیلسوف می‌خواهد خود را از بند عادات نابخردانه، پیش‌داوری و تعصب برهاند و هدف او از کشف حقیقت، همین است.
- ۳ انسان موجودی کنجکاو و متفکر است؛ کسانی که سؤالات و کنجکاوی‌های خود را به نحو جدی پیگیری می‌کنند، اهل تفکر فلسفی‌اند.
- ۴ فیلسوف کسی است که در موقعیت‌های گوناگون زندگی می‌اندیشد و باورهای منظم و پیوسته دارد، هر چند استدلال نداشته باشد.

(قلم‌چی)

تست ۲ کدام عبارت درباره واژه فلسفه نادرست است؟

- ۱ فیلسوفیا واژه‌ای یونانی به معنای دوستدار دانایی است.
- ۲ لفظ سوفیست به علت استفاده آنان از مغالطات تنزل معنایی یافت.
- ۳ رفته‌رفته فلسفه مرادف با دانش و فیلسوف مرادف با دانشمند شد.
- ۴ سقراط نخستین کسی نبود که خود را فیلسوف نامید.

(گزینه دو)

تست ۳ کدام گزینه درباره ریشه ابتدایی کلمه «فلسفه» درست است؟

- ۱ مربوط به همه دانش‌ها بوده است.
- ۲ مرکب از دو واژه «دوستداری» و «دانایی» بوده است.
- ۳ اولین بار از سوی سقراط به کار گرفته شد.
- ۴ سقراط به دلیل تواضع خود را بدان می‌نامید.

(گزینه دو)

تست ۴ همه گزینه‌ها بیانگر دیدگاه سوفیست‌ها است، به جز .....

- ۱ حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری ندارد.
- ۲ درباره واقعیت‌های موجود نمی‌توان حکم قطعی داد.
- ۳ ملاک همگانی برای تشخیص حقیقت وجود ندارد.
- ۴ پیروزی بر رقیب مهم‌ترین هدف استدلال‌آوری است.

(قلم‌چی)

**تست ۵** کدام گزینه ویژگی یک فیلسوف نیست؟

- ۱ باورهایی منظم و پیوسته دارد و می‌تواند برای آن‌ها استدلال ارائه کند.
- ۲ عقیده‌اش را بر پایه توهم، تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی‌کند.
- ۳ عقیده‌اش را بر پایه نظرات فیلسوفان قبلی بنا می‌کند و در برابر آنان متواضع است.
- ۴ درباره استدلال‌ها می‌اندیشد و اگر به درستی‌شان پی ببرد، آن‌ها را می‌پذیرد.

(گزینه دو)

**تست ۶** کدام گزینه درباره دانش فلسفه درست است؟

- ۱ روش دانش فلسفه اختصاص به همین علم دارد.
- ۲ روش تجربی برای حل برخی از مسائل فلسفی ضروری است.
- ۳ چون فلسفه اساس سایر علوم است، درباره تمام مسائل جهان بحث می‌کند.
- ۴ فلسفه عهده‌دار پاسخ‌گویی به مسائل بنیادینی است که در سایر علوم ظاهر می‌شوند.

(داخل کشور ۱۳۹۹)

**تست ۷** کدام مورد، تفاوت اصلی فلسفه با سایر علوم را نشان می‌دهد؟

- ۱ ارائه دیدگاه‌های کلی
- ۲ موضوع و مسائل آن
- ۳ حیرت در برابر هستی
- ۴ استفاده از روش عقلی

(فارج کشور ۹۹)

**تست ۸** کدام عبارت درست است؟

- ۱ برخی از مسائل فلسفی با روش تجربی قابل بررسی است، اما روش کلی فلسفه روش عقلی است.
- ۲ فلسفه مانند همه دانش‌های دیگر قانونمند است و با استفاده از روش خاص، مسائل خود را بررسی می‌کند.
- ۳ تفکر فلسفی، خاص فیلسوفان نیست، بلکه از همان آغازین روزهای حیات انسان خود را نشان می‌دهد.
- ۴ همه انسان‌ها به شرط دقت در افکار، تصمیمات و اعمال روزمره خود، دچار حیرت فلسفی می‌شوند.